

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

زرقا فروغ
۱۰ اکتوبر ۲۰۲۰

لویه جرگه سنگر ارتجاعی دولت پوشالی

ما هر روز و به نحوی وارد عصر فاجعه باری می گردیم که ارتجاع، پوپولیسم، ناسیونالیزم و مذهب به اشکال گوناگون در حال رشد است، و تمام جناح های درگیر به طرز وحشتناکی درگیر عوام فریبی، چوروچپاول، کشتار و ترور و معامله گری اند، آنچه که با هزاران نیرنگ و در لفافه های عوام فریبانه به خورد مردم داده می شود نسخه های به روز شده سیاست فاشیستی و عادی سازی روند ظالمانه و بی شرمانه عادت دادن مردم به جهل و بی خبریست، عادت دادن مردم به پذیرش سیاستی که هر روز مفاهیم آزادی خواهی، مدنیت، آگاهی و تعیین سرنوشت را نابود کرده و جهالت و نفرت و تعصب را جانشین آن می سازد که نتیجه بلا فصل آن همین پشتیبانی روز افزون از پوپولیسم راست و رجوع به سنت های پوسیده قبیله ئی است.

د افغانستان امروز که فاجعه مذهب، ناسیونالیزم، مواد مخدر و فقر، گرسنگی و پاندمی کرونا در آن بیداد می کند، ارتجاع و سرمایه داری برای تحکیم قدرت خویش در منطقه و برای به دست آوردن نیاز هایش گاه به شکل فشار، جبر و اختناق خونین و ترور جمعی توده های مردم جلوه گر می شود، گاه در سیمای افکار و عقاید پوسیده و گاهی هم با تکیه بر عادات و عقیماندگی های فرهنگی و سنت های پوسیده قبیله ئی خود نمائی می کند. کشورهای همسایه از جمله پاکستان که مزرعه و کار گاه طالب سازی اند و نسل اندر نسل طالبان را تربیه نموده و در ملا خانه های طالبی پاکستان با واسکت های انتحاری ردیف کرده و یکی را پس از دیگری برای کشتار و انتحار افراد غیر نظامی و بی گناه در شهر ها و ولایات افغانستان می گمارند، ایران هم از قافله پس نماده است، چنان که اخیراً افرادی آشکارا بیرق خونبار طالبان را در پارک ملت در تهران برافراشتند، مگر رژیم فاشیستی ایران که آواز آزادی خواهی را در گلو کارگران و آزادی خواهان ایرانی خفه می کند و کارگران گرسنه مهاجر را یا در آب و یا در آتش می اندازد و چوبه دار را پاسخ تمام ناتوانی هایش در برابر جوانان بیدار و کارگران آگاه وسیله ساخته است؛ ناظر افراشتن بیرق طالبان در روز روشن می شود و عملاً نشان می دهد که حمایتگر آنان است؟

ارتجاع سرمایه داری برای رسیدن به اهدافش به هر وسیله ای دست می یازد با سنجش افکار عمومی راه کارهایی را برمیگزیند که پذیرش همگانی داشته و بتواند توده های مردم را فریب دهد مثلاً با توجه به سطح دانش جامعه از موضوعات حساس دینی - مذهبی گرفته تا سنت های مروج و در حال احوال کنونی افغانستان دامن زدن به تعصب و قومگرایی که بازار گرم دارد می تواند تعداد زیادی آدم را به سوی جریانهای ارتجاعی بکشانند.



وقتی در جامعه تصویری بار می آورند که گویا فاجعه ای در حال رخ دادن است، طبیعی است که جامعه در چنین شرایطی دست به دامان سنتهای خاک خورده و رهبران سنتی و معامله گر برده و نجات خود و جامعه را در پرتو آنان جست و جو می کند. چه بسا که این رهبران در گذشته کارنامه های سیاهی هم داشته باشند و همواره برای به دست آوردن یک سکه بیشتر از بیشرمانه ترین اعمال ابا نورزند حاصل چنین شرایطی منجر به واپسگرایی جمعی و تکرار اختناق و فاجعه انسانی است.

در چنین وضعیتی نیروهای پیشرو و آزادی خواه مجال نمی یابند و چند "رهبر" مرتجع و خود فروخته یا کلان

بیسواد فلان قوم و یا نماینده فاسد پارلمان و یا سنا برای همه تعیین تکلیف می کنند.

جامعه ای که خود را در لبه پرتگاه و دچار بحران می یابد ناامید، بی عمل و محافظه کار شده در واقع آئینه دار همان فاجعه ای می شود که ارتجاع بزرگهای آن را کاشته و ثمرش را بر می دارد، به این معنی که چنین جامعه ای را آنگونه که ارتجاع خود خواسته است می چرخاند و سمت و سو می دهد، دقیقاً لویه جرگه صلح و موضوع آزاد سازی ده ها تن از تبه کاران طالبی که دست هایشان به خون هزاران کودک و زن و مرد بیگناه و بی پشتوانه رنگین است، از این نوع ناگزیری کارگران و توده های به تنگ آمده افغانستان است.

لویه جرگه ها در مجموع و لویه جرگه "مشورتی" اخیر نماد تمام قد عقب مانده ترین مناسبات و سنتهای پوسیده جامعه بشریست که دولت پوشالی کابل با استفاده از آن کرنش وزانو زدنش در برابر اراده امریکا مبنی بر آزاد سازی آدمکشان طالب را پرده پوشی و ماست مالی نموده وبا تظاهر به مدارا و مصالحه دست به دامان آن برده و بدین لحاظ تاریخ ارتجاع و سنتها و ابزارهای مشروعیت دهنده دوران باستان را یک بار دیگر و به گونه ای مفتضح و ننگین تکرار می نماید.

نسل جوان کارگر آگاه و ستم دیده افغانستان باید ناجی خود و هم طبقه ئی های نا آگاه خویش باشند، که همواره مورد معامله قرار می گیرند و بر خون های ریخته شده شان پا یگذاشته می شود، و با کار و پیکار و فعالیت آگاهانه خویش مردم و جامعه را به آینده درخشانی که خود نیز جزء آن هستند، امیدوار بسازند.

تاریخ گواه است که ارتجاع و سرمایه داری در هر مقطعی برای رسیدن به اهداف شان از عقبمانده ترین روش ها استفاده کرده اند، لذا دنباله روی از ارتجاع چیزی جز ویرانی، غارت، عقبماندگی و پشیمانی بار نیاورده و بار نمی

آورد؛ و دنباله روی از رهبران و تیکه داران قومی باعث افزایش و بازتولید افکار فرقه گرائی و تعصب و ناسیونالیسم می گردد .

در سناریوی اول آزاد سازی ۴۶۰۰ روبات آدمکش طالب که صد ها تن از جوانان تحصیل کرده، زنان پولیس و کارگر شفاخانه، دوکتوران بدون مرز توسط شان کشته، اسیر و تیرباران شده و ده ها قریه و قصبه و مکتب و شفاخانه را آتش زده و ویران کرده اند، این ۴۰۰ قصاب دیگر نیز به همین زودی به فرمان غنی و اراده امریکا آزاد می شوند و طالبان نیز به قدرت سیاسی بر گردانیده می شوند؛ به یقین تاریخ دهه هفتاد بار دیگر تکرار می گردد.